


National culture and challenges ahead of development with emphasis on Corruption (Variable-Oriented Comparative Analysis)

Mahmood Sattarzadeh

Ph.D sociology, student of Mazandaran University, Babolsar, Iran.


sattarzade1285@gmail.com

 0009-0003-3041-8985

Ali Asghar Firouzjaeian

Associate professor in social science, Faculty of social science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding author).


a.firozjayan@umz.ac.ir

 0000-0003-1525-3142

Ali Rahmani Firozjah

Associate professor, faculty of social science, University of Azad Babol, Babol, Iran.

arf1348@gmail.com

 0000-0001-8925-5867


Abstract

When you talk about reasons for official corruption, they consider corruption to be multi-level, which is influenced by various factors. These causes integrated with together to bring different Type of Corruption in Society. In between role of Culture in Increase and decrease in corruption between Theorists Caused Controversy Issue. This Article Tries to Investigate of indicators of National Culture on Corruption perception in Target Countries. The aim of the research is to investigate the impact of national culture categories on the perception of corruption Among Selected Countries, emphasizing Hofstede's theory. Method of This survey is Variable-Oriented Comparative Analysis. In This research, Secondary data of 80 Countries were used. The results of the Correlation Test between the Indicators of National Culture and perception of Corruption Indicate the Significance of the Variable Relationship between power Distance and Individualism and futurism and Self - Restraint and certainty, with the perception of Corruption in the Studied Countries. Also, no significant relationship between Masculinity index and perception of Corruption Was observed. Multivariate analysis Shows that power distance (BETA/0.42) and futurism (BETA/-0.36) variables have the Greatest impact and uncertainty has the least impact on the perception of corruption. Finally, the used Cultural variables Have been Able to explain 66% of the changes in the dependent Variable the results of this research showed that although national culture is a central category in the decrease of development challenges Specially the problem of Corruption, it is necessary to pay attention to other variable, including economic variables and their simultaneous impact. Because by controlling the Per Capita income of the countries, only two cultural variables, Power distance and Individualism variable, still had a significant effect on the variable of perception of corruption.

Keywords: Comparative Analysis Development challenges, Indicators of National Culture Official Corruption.

فرهنگ ملی و چالش‌های پیش روی توسعه با تأکید بر فساد اداری (تحلیل تطبیقی متغیرمحور)

محمود ستارزاده


دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
sattarzade1285@gmail.com  0009-0003-3041-8985

علی اصغر فیروزجانیان

دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
(نویسنده مسئول).

a.firozjayan@umz.ac.ir  0000-0003-1525-3142

علی رحمانی فیروزجاه

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد بابل، بابل، ایران.
arf1348@gmail.com  0000-0001-8925-5867

چکیده

امروزه برنامه‌های توسعه با چالش‌های جدی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه روبه‌رو می‌باشد. یکی از این چالش‌ها فساد اداری است. همه کشورها از سطحی از فساد رنج می‌برند. وقتی بحث از دلایل فساد می‌شود، فساد را مسئله‌ای چندسطحی می‌دانند که تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد. این عوامل در تعامل با یکدیگر موجب شکل‌گیری انواعی از فساد در جوامع می‌شوند. در این میان نقش فرهنگ در کاهش یا افزایش فساد در میان نظریه‌پردازان مناقشه‌برانگیز شده است. این مقاله تلاش دارد به رابطه و تأثیر شاخص‌های فرهنگ ملی بر ادراک فساد در میان کشورهای هدف بپردازد. هدف تحقیق با تأکید بر نظریه هافستد بررسی تأثیر ابعاد مقوله‌های فرهنگ ملی بر ادراک فساد در میان کشورهای منتخب می‌باشد. این تحقیق به روش تطبیقی از نوع متغیرمحور می‌باشد. در این تحقیق از داده‌های ثانویه موجود از ۸۰ کشور دنیا استفاده شده است. نتایج آزمون همبستگی میان شاخص‌های فرهنگ ملی و ادراک فساد بیانگر معناداری رابطه فاصله قدرت، فردگرایی، آینده‌گرایی، خویشتن‌داری، و قطعیت با ادراک فساد در کشورهای هدف می‌باشد. همچنین رابطه‌ای معناداری میان مردگرایی و ادراک فساد مشاهده نگردید. تحلیل چندمتغیره بیانگر این است که متغیر فاصله قدرت ($Beta=0/42$) و آینده‌گرایی ($Beta=-0/36$)، بیشترین تأثیر و عدم قطعیت کمترین تأثیر را بر ادراک فساد دارند. متغیرهای فرهنگی به‌کار گرفته شده توانسته‌اند ۶۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (ادراک فساد) را تبیین کنند. نتایج این تحقیق نشان داد که هرچند فرهنگ ملی مقوله‌ای محوری در کاهش چالش‌های توسعه به‌خصوص مسئله فساد می‌باشد ولی باید به

متغیرهای دیگر از جمله متغیرهای اقتصادی و تأثیر همزمان آنها توجه داشت؛ زیرا با کنترل متغیر درآمد سرانه کشورها تنها دو متغیر فرهنگی فاصله قدرت و متغیر فردگرایی همچنان تأثیر معناداری بر متغیر ادراک فساد داشتند.

کلیدواژه‌ها: چالش‌های توسعه، روش تطبیقی، فرهنگ ملی، فساد اداری.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0



doi 10.22034/SCS.2023.412977.1485

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظریات مطرح شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسئله

توسعه‌نیافتگی به یکی از چالش‌های اساسی و بنیادین کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. پس از شکل‌گیری دولت‌های مستقل و ملی در اقصی‌نقاط جهان در قرن بیستم و خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم، توسعه و پیشرفت جزء مهم‌ترین دغدغه‌های اصلی این جوامع تبدیل گردید. نظریه‌های پیش‌رو و خطی مانند نوسازی با تکیه بر نوشدن و نظریه وابستگی با تکیه بر مناسبات داخلی، راه‌حلهایی برای رفع موانع برای توسعه ارائه کرده‌اند؛ اما مشکلات توسعه‌نیافتگی این جوامع نه با قطع رابطه با غرب و نه به‌صورت کامل نوین‌شدن (غربی‌شدن)، از بین نرفت. به تدریج مشخص شد مشکلات این جوامع در مسائلی مانند کیفیت حکمرانی، الگوهای فرهنگی متفاوت از کشورهای غربی، مردم‌سالاری و مسئله مزمینی مانند فساد قرار دارد.

تعریف واحد، فراگیر و جهان‌شمولی از فساد وجود ندارد. در معاهده ملل متحد در سال ۲۰۰۲ در مورد مبارزه با فساد یکی از گزینه‌ها این بود که فساد هرگز تعریف نشود و در عوض انواع آن فهرست شود (لانگست، ۱۳۸۷، ص. ۳۰). با وجود این، فساد را می‌توان بر مبنای منافع عمومی، فرایند تصمیم‌گیری، نقض قانون و همچنین بر مبنای نقض اصل بی‌طرفی تعریف کرد (حسینی هاشم‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۳۵). تریسمن^۱ (۲۰۰۰) فساد را استفاده از منابع و قدرت دولتی برای منافع شخصی تعریف کرده است. کمیسیون مستقل مبارزه با فساد (۱۹۹۸)^۲، تعریفش از فساد این‌گونه است فساد به نتیجه عمل نادرست و مغرضانه توسط یک مقام رسمی و عمومی اشاره دارد. سازمان شفافیت بین‌الملل (۲۰۰۳) فساد را سوءاستفاده از قدرت و نفوذ عمومی برای منافع شخصی تعریف می‌کند؛ این سوءاستفاده شامل استانداردهای غیراخلاقی و غیرقانونی می‌باشد. بعضی از محققان در حوزه فساد، فساد را از دریچه دیدگاه رفتاری همچون سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی تعریف کرده‌اند (Park, 2003؛ ون کلارون، ۱۹۸۹ و هایدن مایر، ۱۹۸۹). تعریف اقتصاددانان از فساد بیشتر از چهارچوب دیدگاه‌ها و نظریه‌های نهادگرایانه است که به شاخص‌هایی مانند: درآمد، آموزش، و نقش رویه‌هایی که فساد باعث تضعیف جنبه‌های رقابت و تضعیف شاخص‌های بازار می‌گردند توجه دارند (مانند: Getz & Volkema, 2001).

1. Treisman

2. Independent Commission Against Corruption

فساد مسئله‌ای فراگیر و جهان‌شمول است. برخی کشورها بیشتر و برخی کمتر به نوعی درگیر فساد اداری می‌باشند. ایران در مسئله فساد در سه دهه اخیر از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و همه آمارها بیانگر وضعیت نامطلوب ایران در حوزه فساد می‌باشد. چنانچه افشای پرونده‌های کلان فساد مالی و اداری در طول این سال‌ها، بارها جامعه را در معرض پیامدهای منفی مادی و معنوی فساد قرار داده است. شاخص وضعیت ادارک فساد در این چند سال اخیر در کشور رو به وخامت گذاشته شده است. گواه این وضعیت، نمره ادارک فساد کشور از سال ۲۰۱۲ که نمره ۲۹ را داشت با سیر نزولی در سال ۲۰۱۵ (۲۷) و در سال ۲۰۱۸ (۲۵)، در سال ۲۰۲۰ به نمره ۲۲ (کمترین نمره کسب شده از زمان ثبت از سال ۱۹۹۵) رسیده است (www.Transparency.org).

فساد اشکال بی‌شمار، علل متنوع و پیامدهای غیرمنتظره‌ای دارد که برخی از آن‌ها تا حدی مهلک و جبران‌ناپذیرند. نظریه‌پردازی در مورد فساد، بیشتر شبیه گشتن در هزار تویی پیچیده، با بن‌بست‌های فراوان و دوربرگردان‌های غافل‌گیرکننده است که حتی بی‌باک‌ترین و جسورترین افراد را نگران خواهد کرد (دوگراف، ۱۳۹۱، ص ۱۹). در واقع وقوع مسئله فساد تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد و به همین دلیل امروزه در مطالعه فساد با در نظر گرفتن عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از تحلیل چندسطحی فساد سخن به میان می‌آید (فیروزجائیان، ۱۴۰۰). در عین حال در کنار همه عوامل، پرداختن به بحث زمینه‌های فرهنگی شکل‌گیری فساد به دلیل ریشه‌دار بودن خصیصه‌های فرهنگ ملی در جوامع از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. گیرت هافستد^۱ فرهنگ ملی را برنامه‌ریزی جمعی ذهن تعریف می‌کند که اعضای گروه یا دسته‌ای از مردم را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کند. از نظر هافستد، فرهنگ متشکل از دو بخش اصلی اعمال و ارزش‌هاست و هسته فرهنگ به وسیله ارزش‌ها شکل می‌گیرد (Hofstede, 2001). ارزش‌های فرهنگی به مثابه بنیان فرهنگ‌ها می‌توانند تأثیرات دوجوهی سازنده و مخرب داشته باشند. چراکه ارزش‌های فرهنگی خاص به عنان تسهیل‌گر کنش‌ها از جمله در حوزه فساد نقش آفرین می‌باشند (Jahic & Cinjarevic, 2017). به همین دلیل پرداختن تطبیقی نقش فرهنگ در فساد اداری در میان کشور ضروری است. چراکه الگوهای فرهنگی در کشورهای مختلف از یکدیگر متفاوت می‌باشد.

کشور ایران به‌عنوان یکی از کشورها در حوزه جغرافیای فرهنگی خاورمیانه دارای ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی می‌باشد؛ برای مثال در مطالعات بنیاد هافستد، نمره بعد فاصله قدرت در ایران ۵۸ است که نشان از فاصله قدرت زیاد در کشور می‌باشد. همچنین در شاخص فردگرایی، نمره ایران ۴۱ است که نشان از شاخص بالایی جمع‌گرایی در ایران دارد (Hofstede, 2010). همچنین در شاخص دوراندیشی (آینده‌گرایی) نمره ۱۴ است که نشان از جامعه به‌شدت هنجاری می‌باشند که به سنت و آداب و رسوم اهمیت می‌دهند و به دنبال موفقیت‌های سهل‌الوصول می‌باشند. فراتر از انواع جغرافیای فرهنگی‌ای که در جهان وجود دارد بررسی تطبیقی نقش متغیرهای فرهنگی در فساد اداری می‌تواند مدّ نظر محققان قرار گیرد، اینکه کشورهای با الگوهای فرهنگی خاص چه سطحی از فساد را به خود اختصاص می‌دهند. چراکه فرهنگ علاوه بر اینکه نقش تسهیل‌گر در برنامه‌های توسعه بازی می‌کند، شاخص‌های خاص فرهنگی می‌تواند از سمت دیگر انواعی از چالش‌ها را در مسیر توسعه ایجاد کنند که شاید هزینه‌برترین آنها فساد اداری می‌باشد.

پرداختن به مسئله فساد به دلیل پیامدهای ناگوار آن در مسیر توسعه از اهمیت برخوردار می‌باشد و ضرورت توجه محققان به آن به دلیل تأثیرات مخرب، ویران‌گر و بادوام آن می‌باشد. فساد اداری نه تنها موجب هدررفت منابع ملی و کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور می‌شود با کاهش اعتماد عمومی نسبت به دستگاه‌های دولتی، بی‌تفاوتی و بی‌کفایتی را در جامعه افزایش می‌دهد (حسن‌پور، ۲۰۱۸، ص. ۷۳)، تاجایی که به تعبیر میلز می‌توان فساد را می‌توان مسئله‌ای اجتماعی دانست که ارزش‌های عموم مردم را تهدید می‌کند (میلز، ۱۳۷۵). بر همین اساس این تحقیق در تلاش است تا ضمن در نظر گرفتن فساد (سازمانی) به‌مثابه چالشی اجتماعی به بررسی نقش شاخص‌های فرهنگ ملی بر ادراک فساد در میان کشورهای هدف بپردازد.

۱. هدف پژوهش

هدف از انجام این پژوهش، بررسی مقوله‌های فرهنگی ملی تأثیرگذار بر ادراک فساد می‌باشد. همچنین با استفاده از چهارچوب نظری هافستد به تبیین تأثیرگذاری مقوله‌هایی که دارای تأثیر منفی و مثبت بر ادراک فساد در کشورهای مختلف می‌باشند می‌پردازیم. همچنین این تحقیق تلاش دارد تا با کنترل متغیر درآمد سرانه کشورها به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار اقتصادی، به بررسی نقش شاخص‌های فرهنگی در فساد کشورهای هدف بپردازد.

۲. سؤال‌های پژوهش

آیا بین شاخص‌های فرهنگی ملی و ادراک فساد در میان کشورهای هدف ارتباط معناداری وجود دارد؟ آیا متغیرهای فرهنگ ملی با کنترل متغیر درآمد سرانه کشورها بر میزان ادراک فساد در میان کشورهای مورد بررسی تأثیرگذارند؟

۳. پیشینه پژوهش

لجنون و گیگیز (۲۰۲۲) در پژوهشی به نام «ارزش‌های فرهنگی، ویژگی شخصیت ملی و آگاهی به‌عنوان همبسته‌های فساد» در پی تبیین و نقش فاکتورهای فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر فساد بوده‌اند. محققان با به‌کارگیری نظریه شاخص‌های فرهنگی هافستد، نظریه ارزش‌های شوارتز^۱، فاکتورهای شخصیتی اسپیکان^۲، و شاخص هوش ملی (ایکیو)^۳ تأثیرشان را بر شاخص ادراک فساد با استفاده از داده‌های ۶۴ کشور مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان داد که شاخص‌های هارمونی و محافظه‌کاری به‌صورت مثبت با فساد در ارتباط می‌باشند، درحالی‌که شاخص‌های استقلال و مهارت‌محوری رابطه منفی با شاخص فساد دارند. یافته‌های تحقیق نشان داده‌اند، زمانی که شاخص درآمد ناخالص ملی وارد مدل نباشد، شاخص‌های بالا در شاخصه‌های فرهنگی فاصله قدرت و شاخص مردانگی و درجه پایین فردگرایی شاخص‌های تعیین‌کننده‌ای در مقوله فساد می‌باشند؛ اما با ورود شاخص ناخالص ملی تنها شاخص مردانگی تبیین‌کننده مقوله فساد بوده است (Gaygisiz & Lajnuen, 2022).

ایوزاؤ و میکایل ان (۲۰۲۱) در مقاله‌ای به نام «حکومت - سازمان یافته، کاهش فساد و نقش فرهنگ» با استفاده از اطلاعات ۵۷ کشور در مدت زمانی ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۴، به بررسی تأثیر عوامل فرهنگ و ارتباط آن با سازمان‌دهی دولت و فساد پرداختند. نتایج تحقیق آنها مشخص نمود که توسعه در شکل‌گیری دولت سازمان یافته، تأثیر کم اما مثبتی بر تأثیر کاهش فساد در کشورها داشته است؛ اما این تأثیر کم و مثبت در فرهنگ‌های متفاوت، متغیر بوده است. آنها دریافتند که توسعه دولت سازمان یافته برای کاهش فساد در کشورهایی با ویژگی‌های فرهنگی خاص اتفاق افتاده است. نویسندگان بر این اذعان داشتند نقش تولید ناخالص داخلی یک شاخص

1. Schwartz value
2. Eysenckian personality factors
3. National intelligent quotient

پایدار پیش‌بینی‌کننده در کاهش فساد و سازمان‌دهی مناسب حکومت است؛ اما فرهنگ‌هایی که کمتر تأکید بر کنترل عدم اطمینان داشته‌اند، فرهنگ‌هایی که شاخص فردگرایی در آنها ارزش بالاتری داشت و فرهنگ‌هایی که شاخص فرهنگی توسعه آینده‌محور تأکید داشتند بیشتر مستعد این بودند که با شکل‌گیری دولت سازمان‌یافته در مقایسه با دیگر کشورها، در مقابله با مقوله فساد موفق‌تر باشند (Zhao & Michel an, 2021).

گورینتو دانور و بیمو سامودرو (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «آیا رابطه‌ای بین مقوله‌های فرهنگی هافستد و فساد در کشورهای درحال توسعه وجود دارد»، به بررسی این ابعاد و تأثیرگذاری آن بر فساد پرداختند. مؤلفان در این پژوهش با استفاده از تحلیل‌های رگرسیون چندگانه و رگرسیون کوانتیل (چندک) به چگونگی تأثیرگذاری این شاخص‌ها بر فساد پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد همه ابعاد فرهنگی به جز شاخص فاصله قدرت در شاخص فساد در کشورهای توسعه‌یافته تأثیر گذارند. همچنین محققان به این نکته اشاره داشتند که عموم کشورهای درحال توسعه گرایش به جمع‌گرایی دارند که تأثیر مستقیم بر شاخص بالای فساد دارد. همچنین شاخص فرهنگی اجتناب از عدم قطعیت که در اکثر این کشورها نمره بالایی داشتند رابطه مثبتی با شاخص فساد دارد (Gurinto & Samudro, 2020).

بواتنگو وانگ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای به نام «فرهنگ ملی، نهادگرایی (حاکمیت خوب) و فساد» به بررسی تأثیر شاخص فرهنگ ملی و شاخص‌های نهادی بر شاخص اداری فساد^۱ پرداختند. آنها با استفاده داده‌های ۱۴۹ کشور دنیا به تأثیر مشترک شاخص نهادی و شاخص فرهنگ ملی بر اداری فساد و نقش هر کدام از آنها در پذیرش و عدم پذیرش فساد پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که دو مقوله مهم کیفیت حکمرانی و شاخص فرهنگ ملی نقش تأثیرگذاری بر وجود و عدم وجود فساد دارد. هرچند نقش فرهنگ ملی به مراتب تعیین‌کننده‌تر از شاخص‌های حکمرانی در مقوله پذیرش و عدم پذیرش فساد می‌باشد. گرچه نویسندگان این تحقیق به این نتیجه رسیدند که کشورهایی با شاخص‌های بهتر نهادی و حکمرانی دارای وضعیت بهتری در مقوله فساد می‌باشند؛ اما با ورود شاخص‌های فرهنگی تأثیر این شاخص‌های نهادی با درجات معناداری ناپایدار گردید (Boateng & Wang, 2020).

تاتارکو و گری (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین ارزش‌های انسانی و

1. Corruption Perception Index(CPI)

پذیرش فساد در روسیه و یونان»، در پی بررسی تطبیقی فساد در دو کشور بوده‌اند. روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی و ابزار مورد استفاده پرسشنامه که شامل ۲۵۶ نفر در روسیه و ۴۶۹ نفر در کشور یونان که جمعاً نمونه تحقیق ۷۲۵ را نفر شامل گردید. چهارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق، نظریه مدل ارزشی شوارتز^۱ بوده است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که پذیرش فساد در روسیه بالاتر از کشور یونان می‌باشد. میانگین دو شاخص فرهنگی محافظه‌کاری و خود - برتری^۲ در کشور یونان بالاتر از کشور روسیه بود، شاخص‌هایی که طبق مدل شوارتز باعث پذیرش کمتر فساد می‌گردند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که ارزش‌های اساسی انسانی بر پذیرش فساد در محیط‌های فرهنگی متفاوت دو کشور یونان و روسیه تأثیر گذارند (Mironova, 2020).

خندان (۲۰۱۸) در تحقیق به نام «لابی‌کردن، رشوه دادن و اجابت‌کردن: در پی ارزیابی مدلی از عامل‌های اجتماعی در مقوله فساد در میان مدیران شرکت‌ها» بوده است. محقق هم عامل‌های اقتصادی (با استفاده از نظریه بازی) و هم عامل‌های فرهنگی (توجه به مقوله‌ای فرهنگی مانند تقبیح یا عدم تقبیح فساد) را مورد بررسی قرار داده است. روش مورد استفاده روش کتابخانه‌ای بوده و نتایج تحقیق حاکی از آن بود که تقبیح اجتماعی از رشوه دادن، تأثیر مثبتی در عدم پذیرش فساد دارد و این تأثیر بستگی به تاریخ کشورها دارد. کشورهای با تاریخ طولانی از فساد کار سخت‌تری در مبارزه با فساد دارند. تقبیح اجتماعی از رشوه‌دادن ریسک فساد را بالا می‌برد و در نتیجه مدیران شرکت‌ها سعی می‌کنند در راستای قانون عمل کنند (Khandan, 2018).

با در نظر گرفتن ایده این مقاله، پدیده‌های اجتماعی مانند فساد را باید در چهارچوب جامعه و فرهنگ و ارزش‌های هر کشور ارزیابی کرد. درحالی‌که عموم اقتصاددانان به فساد بدون در نظر گرفتن به فرهنگ توجه دارند. برخی جامعه‌شناسان کاملاً برعکس آن عمل می‌کنند؛ اما به تعبیر دی‌ماجیو^۳، فرهنگ می‌تواند هم تشکیل‌دهنده و هم تنظیم‌کننده باشد. فرهنگ در حالت تشکیل‌دهندگی از طریق عناصری مانند مقولات، متن‌ها و مفاهیم عمل کرده و در حالت تنظیم‌گری از طریق هنجارها، ارزش‌ها و عادات جاری کار می‌کند. فرهنگ می‌تواند از طریق نفوذ

1. Schwartz Value Model

2. Self-Transcendence

3. Di maggio

بر تعریفی که کنشگران از منافعشان دارند یا محدود کردن تلاش‌های کنشگران و یا با شکل دادن ظرفیت گروهی برای تجهیز کنشگران بر رفتار اقتصادی تأثیرگذار (سوندبرگ و گرانووتر، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۵). در مجموع می‌توان گفت هرچند مطالعات مختلفی در کشور در حوزه فساد صورت گرفته است (فیروزجائیان و محمودیان، ۱۴۰۰)؛ اما رویکرد فرهنگی در مطالعات مرتبط با فساد هر چند جوان است؛ اما از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. این نوع تحقیقات برخلاف توجه به سطح خرد تحلیل به سطح تحقیق کلان توجه دارند. بر همین اساس توجه به رویکرد تطبیقی (موردمحور یا متغیرمحور) در تحقیقات فرهنگی محور به‌عنوان راهبرد روشی انتخاب می‌شوند. همان‌طور که در این تحقیق بر راهبرد متغیرمحور تأکید شده است. همچنین در این تحقیق جهت بررسی دقیق‌تر جایگاه شاخص‌های فرهنگی در ادراک فساد در میان کشورها متغیر اقتصادی درآمد سرانه کنترل شده است.

۴. چهارچوب نظری

هرچند در ادبیات نظری فساد رویکردهای مختلفی وجود دارد (دوگراف و دیگران، ۱۳۹۷)؛ اما این تحقیق با تمرکز بر رویکرد فرهنگی مشخصاً نظریه ارزش‌های فرهنگی گیرت هافستد به تحلیل فساد سازمانی می‌پردازد. مفهوم فرهنگ یکی از مفهوم‌های پیچیده در علوم اجتماعی می‌باشد. از این دریچه که به علت انتزاعی بودن فرهنگ، تأثیرگذاری و سنجش مقوله‌های فرهنگی بر پدیده‌های اجتماعی سخت و دشوار است. محققان متعددی بر نقش مقوله‌های فرهنگی بر پدیده فساد پرداخته‌اند (Lambsdorff, 1999)؛ اما گیرت هافستد یکی از اولین نظریه‌پردازانی است که به ارتباط بین فرهنگ و فساد به شیوه تجربی توجه نموده است. هافستد با استفاده از مدل مفهومی خود به تبیین ارتباط بین مقوله‌های فرهنگی و فساد پرداخت.

هافستد برای نشان دادن جنبه‌های مختلف فرهنگ از الگوی پیاپی شکل استفاده نموده است و در آن لایه‌هایی با عنوان سمبل‌ها، افسانه‌ها و قهرمانان، آداب و رسوم و در نهایت ارزش‌ها به‌عنوان لایه مرکزی، از یکدیگر متمایز می‌سازد. هافستد فرهنگ را موضوعی جمعی و البته ناملموس می‌داند. او فرهنگ را همان عاملی می‌داند که باعث تمایز گروه‌ها، سازمان‌ها یا ملت‌ها از یکدیگر می‌شوند. او معتقد بود که فرهنگ سازمان‌های مختلف از طریق روش‌هایشان از یکدیگر متمایز می‌شوند، درحالی‌که فرهنگ‌های ملی بر اساس ارزش‌هایشان قابل تمایز هستند (Hofstede, 1980).

هافستد الگوی فرهنگی خود را متشکل از ۴ بُعد تعریف نمود. ابعاد این الگو

عبارت‌اند از: فاصله (اختلاف) قدرت، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی، اجتناب از عدم اطمینان و جهت‌گیری مردگرایانه در برابر جهت‌گیری زن‌گرایانه (Hofstede, 1980). هافستد پس از انجام مطالعات مستقل در کشور هنگ‌کنگ، (بعد پنجمی) را هم که به‌عنوان جهت‌گیری‌های طولانی‌مدت در مقابل جهت‌گیری‌های کوتاه‌مدت شناخته شده، برای توصیف جنبه‌های ارزشی وارد چهارچوب نظری خود کرده است. هافستد در ادامه در سال ۲۰۱۰ بعد دیگری (بعد ششم) با عنوان افراط در مقابل خویش‌داری را ابداع کرد (Hofstede, 2010). در ادامه به توضیح هر یک از این ابعاد می‌پردازیم.

۴-۱. فاصله (اختلاف) قدرت

فاصله قدرت حدی است که مدیران در یک جامعه اعمال قدرت می‌کنند. در یک فرهنگ با فاصله قدرت بالا، عدم توازن بین مدیران و زیردستان وجود داشته و مدیران فرمان‌دهنده و زیردستان و کارکنان فرمانبردار هستند (مهارتی، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۲). جوامع با فاصله قدرت زیاد متمایل هستند بین طبقات مختلف تفاوت قائل شوند. قدرت به‌عنوان فراهم‌کننده نظم اجتماعی، تعادل‌بخش روابط خویشاوندی و استوارکننده دیده می‌شود؛ در این وضعیت اطلاعات کنترل شده می‌باشد، میزان تأثیرگذاری گروه‌های مختلف متفاوت می‌باشد؛ فساد عمومی بالاست و فقط تعداد کمی از افراد به منابع دسترسی دارند (کارل، ۲۰۰۴). در جوامع با فاصله قدرت زیاد، افرادی که زیردست هستند ممکن است راه‌های دیگری برای بالابردن استانداردهای زندگیشان خارج از قانون برای خود ایجاد کنند، چون قانون اجازه رقابت‌پذیری برابر برای آنها ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین، آنها به سمت انجام رفتارهای فسادآمیز برای مثال گرفتن رشوه متمایل می‌شوند. از طرف دیگر، در جوامع با فرهنگ با فاصله قدرت کمتر، بالادستان و زیردستان، خودشان را در موقعیت برابر در مقابل قانون می‌بینند، که این خود منجر به تعادل بخشی و همکاری بیشتری بین آنها می‌گردد (Davis, 2003, p. 105). در چنین جوامعی زیردستان می‌توانند با اعمال و تصمیمات بالادستی‌های خود منازعه کنند و در نتیجه احتمال ارتکاب فساد کمتر می‌گردد. پارک^۱ (۲۰۰۳) نشان داده است که جوامع با فرهنگ فاصله قدرت بیشتر نسبت به جوامع با فاصله قدرت کمتر با احتمال بیشتری درگیر فساد می‌شوند.

1. park

۲-۴. فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی

این بُعد با درجه همستگی ایجاد شده بین اعضای یک جامعه یا رابطه بین فرد و سایر افراد جامعه ارتباط دارد. فردگرایی اشاره به همبستگی آزادانه فرد با قالب اجتماعی در یک جامعه دارد، به این معنی که افراد از خود و خویشاوندان درجه یک خود مراقبت می‌کنند. جمع‌گرایی دلالت بر همبستگی محکم فرد با قالب اجتماعی دارد. به این معنی که در آن افراد می‌توانند از خویشاوندان خود انتظار داشته باشند که از آن‌ها مراقبت کنند یا بدون تردید به آن‌ها وفادار باشند (Hofstede, 1980). مردم در چنین جوامی (جمع‌گرا) بر ترجیح دادن به چهارچوب‌های تنگ‌نظرانه اجتماعی در تصمیمات گروهی متمایل‌اند و وفاداری افراطی گروهی متقدم‌تر بر علائق فردی می‌باشد (Davis, 2003, p. 109). در فرهنگ‌های جمع‌گرا شبکه‌ای از دوستان و خانواده‌ها بیشتر متمایل به ایجاد یک ارتباطات قوی هستند که احتمال انجام معاملات غیرقانونی را تسهیل می‌کند (Getz & Volkema, 2001, p. 14).

۳-۴. جهت‌گیری درازمدت / کوتاهمدت

این شاخص نشان‌دهنده میزان اتکای جوامع به ظرفیت‌های تجزیه و ترکیبی ایشان است. در جوامع دارای افق دید درازمدت، سعی می‌شود بخش‌های مختلف به طریق یکپارچه و تعدیل‌پذیر با یکدیگر ترکیب شوند (جمشیدی، ۱۳۹۲، ص. ۲). یک جامعه با فرهنگ جهت‌گیری رو به گذشته ممکن است ارزیابی‌اش از اتفاقات بر مبنای سنت، عادت‌ها و تاریخ باشد، درحالی‌که جامعه با فرهنگ جهت‌گیری رو به آینده‌تر، ارزیابی‌اش از برنامه‌ها به منافع درازمدت برمی‌گردد (Heals, 2004, p. 9). فرهنگ‌هایی با شاخص پایین جهت‌گیری رو به آینده و یا شاخص بالا در جهت‌گیری در زمان حال، توان بالایی برای لذت بردن از زمان جاری خود دارند، رها از مصیبت‌های گذشته و اضطراب‌های آینده، چندان مایل نیستند برنامه‌ای مدون برای اهداف مطلوبشان داشته باشند. با توجه به این، احتمال اینکه جوامع با افق دید کوتاهمدت، درگیر اعمال و تصمیمات عاجل و آبی گردن و در نتیجه درگیر فساد شوند بیشتر است. رخداد فساد در فرهنگ‌هایی با جهت‌گیری کوتاهمدت به آینده بیشتر از فرهنگ‌هایی با جهت‌گیری درازمدت به آینده، انتظار می‌رود (Hofstede, 2010).

۴-۴. اجتناب از عدم اطمینان

این بُعد با درجه و مقداری مرتبط است که در آن اعضای یک جامعه با ابهام و تردید،

احساس ناراحتی می‌کنند. امر اساسی در اینجا نشان دادن عکس‌العمل جامعه در مقابل این حقیقت است که آینده مشخص نیست و افراد تلاش می‌کنند که هم آینده را کنترل کنند و هم اجازه دهند که موضوعی در آینده اتفاق بیفتد (جمشیدی، ۱۳۹۲، ص. ۴). گتز و ولکما^۱ (۲۰۰۱) معتقدند در جوامع با فرهنگ بالای اجتناب از عدم اطمینان، مردم موقعیت‌ها را با ارزش‌ها، قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های به‌خوبی پایه‌ریزی شده ادراک می‌کنند. شاخص ابهام‌گریزی ممکن است انحرافات و رفتارهای غیراخلاقی را جلوگیری کند و تأثیرات نامحسوسی بر رفتار انسان‌ها داشته باشد، که در نهایت فساد را در جامعه کاهش دهد. در نتیجه در یک جامعه‌ای که شاخص اجتناب از عدم اطمینان بالاست، مردم کمتر متمایلند رفتار فسادگونه داشته باشند و به احتمال زیاد به رویه‌هایی که مبتنی بر طریقه‌های قانونی است عمل کنند (Seleim & Bontis, 2009, p. 173).

۴-۵. افراط در مقابل خویشتن‌داری

در مطالعات اخیر هافستد، یک بعد جدید با همکاری محقق بلغاری به نام مینکوف^۲ تحت عنوان افراط اضافه گردیده است که میزان تلاش افراد است برای اینکه امیال خود را مهار کنند (Hofstede & Minkov, 2010). بعد افراط در مقابل خویشتن‌داری بر سعادت متمرکز است. کیفیت خویشتن‌داری جامعه‌ای را توصیف می‌کند که ارضای نیازها را متوقف می‌سازد و تلاش می‌کند آن را از طریق هنجارهای دقیق اجتماعی کنترل کند. این شاخص مرتبط با کسب رضایت در مقابل کنترل خواسته‌های اصلی بشر که مرتبط با لذت بردن از زندگی است می‌باشد (هافستد، ۱۳۸۸، ص. ۸۹). هافستد اشاره دارد به اینکه در جوامعی که شاخص فرهنگی افراط‌گرایی در آنها پایین است توانایی انسان‌ها برای مخالفت با شاخص‌های غیراخلاقی محدود می‌گردد و اظهارگرایی که یکی از مؤلفه‌های اصلی این شاخص می‌باشد در جامعه کم‌رنگ می‌گردد.

۴-۶. جهت‌گیری مردگرایانه در برابر جهت‌گیری زن‌گرایانه

این شاخص اشاره به میزان باور فرد درباره تمایز نقش‌های جنسیتی در جامعه دارد. افراد در فرهنگ‌های مردانه معتقدند که نقش‌های زن و مرد باید مجزا و متمایز باشد

1. Getz & Volkema

2. Minkov

(Hofstede, 2010). برابری جنسیتی به جوامعی که به‌دنبال کمتر کردن تفاوت‌های بین نقش‌های مردانه و زنانه در خانه، سازمان‌ها و اجتماعات می‌باشند، اشاره می‌کند (Emrich, 2004). اکل و گروسمن معتقدند که زنان بیشتر به‌صورت اجتماعی جهت یافته‌اند (کمتر خودخواه) و مردان بیشتر جهت‌گیری خودمدارانه دارند (بیشتر خودخواه) هستند، و زنان در مواجهه با موقعیت‌های اقتصادی رفتار سخاوتمندانه‌تری دارند. زنان بیشتر متمایل به رفتارهای کمک‌کننده^۱ نسبت به مردان می‌باشند؛ بنابراین، در کشورهای که در آن شاخص فرهنگی برابری جنسیتی بالاتر می‌باشد احتمال رفتارهای فاسدگونه کمتر می‌باشد (Hofstede, 2010).

نظریه هافستد در حوزه‌های مختلف از جمله در تحلیل فساد مورد استفاده قرار گرفته است؛ برای نمونه تسکومیس^۲ در سال ۲۰۰۷ به ارتباط بین فرار مالیاتی و مقوله‌های فرهنگی با استفاده از مدل مفهومی هافستد پرداخت. همچنین چونگ و چانگ^۳ در سال ۲۰۰۸ به ارتباط بین فساد و فرهنگ با استفاده از تأثیر فرهنگ بر آموزش، به ارتباطات معناداری بین فرهنگ و فساد دست یافتند (Smith, 2013, p. 14). بر همین اساس این تحقیق هم تلاش دارد تا به تأثیر شاخص‌های فرهنگی نظریه هافستد بر ادراک فساد در کشورهای هدف بپردازد؛ البته رویکرد روشی در این مطالعه رویکردی متغیرمحور می‌باشد که در آن به‌جای کشورها متغیرها و روابط میان آنها اهمیت دارد. در این تحقیق همچنین متغیر اقتصادی درآمد سرانه مورد کنترل قرار می‌گیرد.

۵. فرضیه‌های تحقیق

با توجه به توضیح‌های بخش چهارچوب نظری، فرضیه‌های زیر جهت تبیین تأثیر شاخص‌های فرهنگی بر فساد در این تحقیق ارائه شده است:

- هرچه میزان شاخص ارزش فاصله قدرت در کشورها بیشتر باشد، میزان ادارک فساد بیشتر می‌باشد.
- هرچه میزان شاخص ارزش‌های فردگرایانه در کشورها بیشتر باشد، میزان ادارک فساد کمتر می‌باشد.
- هرچه میزان شاخص ارزش‌های جهت‌یابی به آینده در کشورها بیشتر باشد، میزان ادارک فساد کمتر می‌باشد.

1. Helping

2. Tsakumis

3. Cheung & Chang

- هرچه میزان شاخص ارزش اجتناب از عدم اطمینان بالاتر باشد، میزان ادارک فساد بیشتر می‌باشد.
 - هرچه میزان شاخص ارزش افراط بیشتر باشد، میزان ادارک فساد کمتر می‌باشد.
 - هرچه میزان شاخص ارزش تفاوت جنسیتی کمتر باشد، میزان ادارک فساد کمتر می‌باشد.
- همه این فرضیه‌ها با کنترل درآمد سرانه کشورها نیز مورد آزمون قرار گرفته‌اند. ادراک فساد بر اساس جغرافیای فرهنگی کشورها مورد بررسی قرار گرفت.

۶. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق با رویکرد کمی و با راهبرد تطبیقی - کمی انجام شده است. اصطلاح روش تطبیقی در علوم اجتماعی برای اشاره به نوع خاصی از مقایسه واحدهای اجتماعی کلان به کار گرفته می‌شود. روش تطبیقی به مورد محور و متغیر محور تقسیم می‌شود (ریگین، ۱۳۸۷، ص. ۹۱). در این تحقیق از روش تطبیقی کمی از نوع متغیر محور استفاده شده است. در این رویکرد بیشتر بررسی تناظر میان روابط شناسایی شده در جوامع و کشورها و تصوراتی که نظریه‌ها از پدیده‌های اجتماعی کلان ارائه می‌کنند مدنظر است. در این رویکرد تعمیم‌پذیری بر پیچیدگی روابط میان متغیرهای ترجیح داده می‌شود. در آخرین مدل به کار گرفته از جانب مدل هافستد (۲۰۱۵)، کشورهای شرکت کننده شامل ۸۰ کشور می‌باشد که شامل ۲۳ کشور از آسیا، ۲۸ کشور از اروپا، ۹ کشور از آفریقا، ۳ کشور از آمریکای شمالی، ۱۵ کشور از آمریکای جنوبی و ۲ کشور از قاره استرالیا می‌باشد.

جدول (۱): جدول کشورهای مورد تحقیق

کشورها	قاره
مصر، عراق، کویت، لبنان، عربستان سعودی، امارات عربی، بنگلادش، چین، هنگ کنگ، هند، اندونزی، ایران، اسرائیل، ژاپن، مالزی، پاکستان، فیلیپین، سنگاپور، کره، تایوان، تایلند، ترکیه و ویتنام	آسیا (۲۳)
اتریش، بلژیک، بلغارستان، چک، دانمارک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، مالت، هلند، نروژ، لهستان، پرتغال، رومانی، روسیه، اسلواکی، اسپانیا، سوئد و سوئیس	اروپا (۲۸)
لیبی، اتیوپی، کنیا، تانزانیا، زامبیا، مراکش، آفریقای جنوبی، غنا، نیجریه و سیرالئون	آفریقا (۹)

کشورها	قاره
کانادا، مکزیک و آمریکا	آمریکای شمالی (۳)
آرژانتین، برزیل، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، اکوادور، السالوادور، گواتمالا، جامائیکا، پاناما، پرو، سورینام، ترینیداد و توباگو، اروگوئه و ونزوئلا	آمریکای جنوبی (۱۵)
استرالیا و نیوزیلند	استرالیا (۲)

داده‌های تحقیق در تحلیل‌های تطبیقی به نوعی داده‌های ثانویه می‌باشند. داده‌های جمع‌آوری شده در رویکرد متغیرمحور در واقع تصویری از فرایندهای ساختاری ارائه می‌کنند. در این تحقیق از سه دسته آمار با توجه به متغیرهای مدنظر در تحقیق استفاده شد:

۱- شاخص فرهنگی: اطلاعات استفاده شده در این تحقیق مبتنی بر داده‌های ثانویه^۱ برآمده از طرح هافستد سال ۲۰۱۵ در خصوص داده‌های شاخص‌های فرهنگی می‌باشد.

۲- متغیر ادراک فساد: تعریف فساد از نظر سازمان شفافیت بین‌الملل، سوءاستفاده از قدرت دولتی (حاکمیتی) برای منافع شخصی می‌باشد (Transparency.org). داده‌ای برآمده از سازمان شفافیت بین‌الملل در خصوص شاخص ادراک فساد در بین سال‌های ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ استفاده شده است. گروهی از محققان در دانشگاه گوتینگن^۲ که با جمع‌آوری اطلاعات از ۱۲ پیمایش مختلف به جمع‌بندی نهایی خود از شاخص ادراک فساد از کشورها و درنهایت رتبه‌بندی از کشورها در مورد فساد می‌پردازند (Treisman, 2000). نمره شاخص ادراک فساد دامنه‌ای از صفر تا صد می‌باشد که صفر به معنای حداکثر فساد و ۱۰۰ به معنای حداقل فساد است (Transparency.org).

۳- درآمد سرانه (متغیر کنترل): تأکید بر کنترل آماری یکی از خصایص اصلی روش‌های متغیرمحور است. برای متغیر کنترل یک متغیر اقتصادی به نام شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی^۳ جهت بررسی کنترل مقوله‌های فرهنگی بر ادراک فساد انتخاب گردید. دلیل این انتخاب وجود این تصور قالب که میزان فساد کشورها با وضعیت اقتصادی آنها در ارتباط می‌باشد، به این معنا که هرچه شاخص تولید ناخالص ملی یک کشور بالاتر باشد، میزان فساد در آن کشور نسبت

1. Secondary Data

2. Gottingen

3. GDP per captia

به کشوری که وضعیت اقتصادی ضعیفتری دارد جایگاه مطلوبتری دارد. به عبارت دیگر کشورهای فقیرتر به علت وجود شاخص‌های پایین اقتصادی، در وضعیت فسادآمیزتر قرار دارند. اطلاعات برآمده از شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی از داده‌های بانک جهانی^۱ در بین سال‌های ۲۰۱۹، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ استفاده شده است. بانک‌های اطلاعاتی کمی این تحقیق حدود ۸۰ کشور و ۸ متغیر را دربرمی‌گیرد.

۷. یافته‌ها پژوهش

برای تحلیل و آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون تحلیل واریانس، آزمون همبستگی و همچنین رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. در ادامه به ارائه نتایج آزمون فرضیات می‌پردازیم.

جدول زیر بیانگر آزمون تفاوت ادراک فساد بر حسب جغرافیای فرهنگی مختلف می‌باشد. در این تحقیق کشورهای مورد مطالعه برحسب ویژگی‌های فرهنگی مشترک به ۵ دسته تقسیم شده‌اند. همان‌گونه که از جدول برمی‌آید تفاوت معناداری میان فرهنگ‌های مختلف بر حسب ادراک فساد وجود دارد. کمترین ادراک فساد مربوط به جغرافیای فرهنگی اروپای غربی با میانگین ۲۹/۷۰ است و بیشترین آن نیز مربوط به جغرافیای فرهنگی خاورمیانه و شمال آفریقا با میانگین ۶۳/۵۵ می‌باشد. ایران نیز جزو همین جغرافیای فرهنگی می‌باشد. کشورهای جنوب شرق آسیا بعد از اروپای غربی از کمترین ادراک فساد برخوردار می‌باشد. کشورهای بلوک شرق و آمریکای لاتین در مراحل بعدی از ادراک فساد بالاتری برخوردار می‌باشند.

جدول (۲): آزمون مقایسه ادراک فساد بر حسب جغرافیای فرهنگی متفاوت

معنی‌داری	میزان F	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد کشورها	منطقه‌های جغرافیایی فرهنگی
/۰۰۰	۱۶/۱۱۵	۱۳/۵۱	۲۹/۷۰	۲۷	کشورهای غربی
		۱۲/۱۳	۵۴/۱۰	۱۹	کشورهای بلوک شرق
		۱۸/۹۸	۴۹/۰۷	۱۳	کشورهای جنوب شرق آسیا
		۱۰/۲۷	۶۳/۵۵	۹	خاورمیانه و شمال آفریقا
		۱۵/۸۸	۵۸/۹۰	۱۱	کشورهای آمریکای لاتین

1. World bank

جدول زیر بیانگر آزمون همبستگی میان شاخص‌های فرهنگ ملی و ادراک فساد در میان کشورهای هدف می‌باشد. آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین ادراک فساد با فاصله قدرت، فردگرایی، جهت‌گیری به آینده، خویش‌داری و قطعیت رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه میزان فاصله قدرت و قطعیت در کشورها بیشتر می‌شود، به همان نسبت ادراک فساد هم بیشتر می‌شود و برعکس. همچنین هرچه شاخص فردگرایی، آینده‌گرایی و خویش‌داری در میان کشورها بالاتر باشد ادراک فساد کمتر می‌باشد و برعکس. درنهایت بین ادراک فساد با شاخص مردگرایی، رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۳): جدول ماتریس ضرایب همبستگی بین ادراک فساد با شاخص‌های

فرهنگ ملی

جهت رابطه	رابطه	همبستگی پیرسون			شاخص‌های فرهنگی
		n	sig	r	
مستقیم	دارد	۸۰	۰/۰۰۰	۰/۶۸	فاصله قدرت
معکوس	دارد	۸۰	۰/۰۰۰	-۰/۶۴	فردگرایی
معکوس	دارد	۸۰	۰,۰۰۰	-۰/۳۵	آینده‌گرایی
معکوس	دارد	۸۰	۰,۰۰۰	-۰,۲۷	خویش‌داری
مستقیم	دارد	۸۰	۰,۰۰۰	۰/۳۰	عدم قطعیت
-	ندارد	۸۰	۰,۱۲۰	۰/۱۶	مردانگی

درعین حال با توجه به ارتباط متقابل متغیرهای فرهنگی و اقتصادی در تحلیل مسائل اجتماعی، در این تحقیق تلاش شده است جهت بررسی دقیق‌تر ارتباط میان شاخص‌های فرهنگی و ادراک فساد به کنترل یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی یعنی درآمد سرانه ملی بپردازیم. جدول زیر آزمون همبستگی میان شاخص‌های فرهنگی کشورهای مورد بررسی و ادراک فساد با کنترل درآمد سرانه ملی می‌باشد.

جدول زیر بیانگر همبستگی جزئی میان شاخص‌های فرهنگی ملی و ادراک فساد با کنترل متغیر درآمد سرانه می‌باشد. آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین ادراک فساد با فاصله قدرت با وجود کنترل متغیر درآمد سرانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، در کشورهایی که فاصله قدرت در آنها بیشتر است به همان نسبت ادراک فساد هم بیشتر می‌شود و برعکس. همچنین بین ادراک فساد با شاخص فردگرایی با وجود کنترل متغیر درآمد سرانه همبستگی معکوس و منفی وجود

دارد و رابطه معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، وقتی که متغیر درآمد سرانه کنترل شود، در کشورهایی که فردگرایی در آنها بیشتر است، به همان نسبت ادراک فساد کمتر می‌شود و برعکس. با توجه به سطح معناداری متغیرهای دیگر، آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین ادراک فساد با آینده‌گرایی، شاخص خویشتن‌داری و شاخص عدم قطعیت وقتی درآمد سرانه کنترل می‌شود، رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین آزمون متغیر مردانگی نشان می‌دهد که در کشورهای با نگرش جنسیتی بالا با کنترل متغیر اقتصادی ادراک فساد بالاتری وجود دارد.

جدول (۴): همبستگی جزیی بین شاخص‌های فرهنگ ملی و ادراک فساد با کنترل متغیر درآمد سرانه ملی

نوع ارتباط	وجود ارتباط	همبستگی پیرسون			متغیر کنترل	متغیرها
		n	sig	r		
مستقیم	دارد	۸۰	۰,۰۰۱	۰/۴۱	درآمد سرانه	فاصله قدرت
معکوس	دارد	۸۰	۰,۰۱۴	-۰/۳۵	درآمد سرانه	فردگرایی
-	ندارد	۸۰	۰,۴۳۰	-۰/۰۹	درآمد سرانه	آینده‌گرایی
-	ندارد	۸۰	۰,۵۴۰	۰/۰۶	درآمد سرانه	خویشتن‌داری
-	ندارد	۸۰	۰,۳۰۰	۰/۱۲	درآمد سرانه	عدم قطعیت
مستقیم	دارد	۸۰	۰,۰۵۰	۰/۲۲	درآمد سرانه	مردانگی

جدول زیر بیانگر تأثیر همزمان (Enter) شاخص‌های فرهنگی در کشورهای هدف بر ادراک فساد می‌باشد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی همه شاخص‌ها به استثنای عدم قطعیت دارای تأثیر معناداری بر ادراک فساد می‌باشند. بیشترین تأثیر مربوط به شاخص فاصله قدرت می‌باشد (Beta=0/42). بدین معنی که کشورها با فاصله قدرت زیاد دارای ادراک فساد بیشتری نسبت به کشورها با فاصله قدرت کمتر می‌باشند. بعد از آن جهت‌گیری بلندمدت (آینده‌گرایی) قرار دارد (Beta=-0/36). این نتیجه بیانگر آن است که کشورهای با جهت‌گیری بلندمدت در برابر کشورهای با جهت‌گیری کوتاه‌مدت دارای ادراک فساد کمتری می‌باشند. این نتیجه برای شاخص‌های فردگرایی و خویشتن‌داری نیز صادق است. یعنی کشورهایی که دارای فرهنگ فردگرا و همچنین خویشتن‌دار هستند در برابر کشورهایی با فرهنگ جمع‌گرایی و افراط در رفتار دارای ادراک فساد پایین‌تری می‌باشند. همچنین هرچند شاخص عدم قطعیت دارای تأثیر معناداری بر ادراک فساد نمی‌باشد، اما تأثیر آن

مثبت می‌باشد. یعنی کشورها با عدم قطعیت بالا از ادراک فساد بالاتری نسبت به کشورها با عدم قطعیت پایین برخوردار می‌باشند.

جدول (۵): تحلیل چند متغیر تأثیر شاخص‌های فرهنگی بر ادراک فساد

Sig	T	Beta	انحراف استاندارد	b	عوامل مؤثر
۰.۰۰۰	۳/۸۳	-	۱۰/۶۹	۴/۶۹	(Constant)
۰.۰۰۰	۴/۱۶	۰/۴۲	۰/۰۹	۰/۳۸	فاصله قدرت
۰.۰۰۰	-۲/۸۱	-۰/۳۰	۰/۰۸	-۰/۲۲	فردگرایی
۰.۰۰۰	۱/۹۲	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۱۳	مردانگی
۰.۰۰۰	۱/۸۱	۰/۱۱	۰/۰۶	۰/۱۰	عدم قطعیت
۰.۰۰۰	-۴/۵۸	-۰/۳۶	۰/۰۷	-۰/۲۹	آینده‌گرایی
۰.۰۰۰	-۲/۳۶	-۰/۲۰	۰/۰۷	-۰/۱۷	افراط
ضریب تعیین = ۰/۶۶				همبستگی چندگانه = ۰/۸۱	

مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرها ۰/۸۱ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق (میزان ادراک فساد) همبستگی خوبی وجود دارد؛ اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰/۶۶ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۶۶ درصد از کل تغییرات میزان ادراک فساد در میان کشورها توسط متغیرهای حاضر در معادله تبیین می‌شود. با توجه به معنی‌داری مقدار آزمون F (۲۵/۶۴) در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از شش متغیر مستقل (شاخص‌های فرهنگی) و متغیر وابسته (میزان ادراک فساد) مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات میزان ادراک فساد را تبیین کنند.

نتیجه‌گیری

بی‌تردید مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در بروز فساد نقش دارند و در عین حال این عوامل با یکدیگر نیز در ارتباط بوده و بر هم تأثیر می‌گذارند. فساد اداری پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است و مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر با واقعیتی چندعلیتی مواجه هستیم. علت‌هایی که هر کدام بیانگر رویکرد خاصی در تحلیل فساد می‌باشد. در این میان مقوله‌های فرهنگی که خود رفتارهای دیگر اقتصادی و سیاسی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند به نوعی جزء متغیرهای

ابتدایی تدوین‌کننده و تأثیرگذار بر دیگر متغیرهای نهادی و سیاسی می‌باشند. شاخصی که در این تحقیق تأثیر آن بر ادراک فساد از طرق روش تطبیقی متغیرمحور مورد بررسی قرار گرفت.

بر اساس نتایج این تحقیق، مقایسه کشورها بر اساس مناطق جغرافیای فرهنگی و ادراک فساد بیانگر تفاوت در ادراک فساد از کمترین در منطقه اروپای غربی و شمالی تا بیشترین در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشد. درواقع کشورهای اروپای شمالی و غربی دارای ادراک فساد پایین‌تری نسبت به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشند. بررسی شاخص‌های فرهنگی هافستد در این تحقیق هم‌نشان از وضعیت بهتر این شاخص‌ها در مقایسه با مناطق دیگر به‌خصوص منطقه خاورمیانه با حضور ایران بوده است. همانند تحقیقات سلیم و بونتیس^۱ (۲۰۰۹) و یگانه (۲۰۱۴) و زمیسسکی و والدوینس^۲ (۲۰۱۹) تحلیل روابط همبستگی‌ها بین متغیرهای فرهنگی و ادراک فساد بیانگر روابط معناداری همه متغیرهای فرهنگی (به استثنای مردانگی) با شاخص ادراک فساد می‌باشد. درعین حال در این تحقیق در روابط میان شاخص‌های فرهنگی و ادراک فساد مورد کنترل آماری قرار گرفت. نتایج نشان داد که شاخص‌های فرهنگی فاصله قدرت و شاخص فردگرایی و مردانگی حتی با کنترل متغیر اقتصادی (سرانه تولید ناخالص داخلی) دارای روابطی معنادار با ادراک فساد می‌باشند و متغیرهای دیگر از حالت معناداری خارج شده‌اند.

تحلیل چندمتغیره همسو با تحقیق لجنوئن و گیگیز (۲۰۲۲) و بوآنگو وانگ (۲۰۲۰) نشان داده است که شاخص فاصله قدرت بیشترین تأثیر را بر ادراک فساد در میان کشورهای هدف داشته است. فاصله قدرت نشان‌دهنده وجود سطوح مختلف قدرت، اختیار، مقام و ثروت میان افراد و میزان پذیرش نابرابری قدرت و احترام به اقتدار حاکمان و دادن اجازه کنترل افراد با قدرت کمتر به افراد قدرتمند جامعه است. کشورهای جنوب شرق آسیا، کشورهای آفریقایی و کشورهای خاورمیانه نمره بالاتری در این شاخص به‌خود اختصاص داده‌اند. به این معنا که مردم در این کشورها توزیع قدرت را نابرابر می‌دانند. ازطرف دیگر میانگین این مقوله فرهنگی در میان کشورهای اروپایی نمره پایینی را به‌خود اختصاص داده است. به این معنا که مردم در این کشورها قدرت را برای همگان در دسترس می‌پندارند. به نظر می‌رسد در فرهنگ‌های با فاصله قدرت بالاتر افراد شجاعت کمتری برای افشاگری‌های اخلاقی

1. Seleim & Bontis

2. Valdovinos I., Szymanski

دارند و بیشتر ترجیح می‌دهند سکوت کنند و یا خودپذیرای نقش در آن فرایند فسادگونه باشند. همچنان‌که لیخت و وشوارتز^۱ نشان دادند که فساد هم‌نوایی بیشتری با فرهنگی‌های سلسله مراتب گونه دارد و توجه کمتری به منفعت عموم و افراد ضعیف جامعه دارد، برای اینکه این خصیصه استفاده از قدرت را برای استثمار دیگران مشروع می‌سازد (Boateng & Wang, 2020). به نظر می‌رسد فاصله قدرت بالاتر تأثیر منفی بر شجاعت اخلاقی انسان‌ها و خصوصاً کارکنان می‌گذارد این موضوع به‌ویژه در مورد کشورهای با فرهنگ فاصله قدرت بالا مانند ایران و کشورهای خاورمیانه نمایان می‌باشد. کشورهای با این ویژگی، سازمان‌هایی با ساختار سلسله مراتبی دارند که کارکنان در صورت ابراز مخالفت با رویه‌های موجود، ممکن است دچار مشکل و حتی قطع همکاری و اخراج گردند، که این درنهایت باعث می‌گردد که انسان‌ها در این فرهنگ‌ها محافظه‌کارتر باشند. در این وضعیت فساد بیشتر محتمل است (Hofstede, 2010). درنهایت فرضیه تحقیق در خصوص تأثیر متغیر شاخص فرهنگی فاصله قدرت بر شاخص ادراک فساد در این تحقیق حتی با کنترل متغیر اقتصادی شاخص درآمد سرانه، تأیید گردید.

همچنین فردگرایی نیز یکی از متغیرهای فرهنگی مؤثر بر ادراک فساد در کشورهای مورد مطالعه بوده است. کشورها با شاخص فرهنگی فردگرایی بالاتر دارای فساد کمتری در مقایسه با کشورهای با خصیصه جمع‌گرایی بالاتر می‌باشند (Gurinto & Samudro, 2020). به عبارت دیگر کشورهایی که شاخص فردگرایی در آن بالاتر می‌باشد نسبت به کشورهایی که شاخص فردگرایی در آنها کمتر می‌باشد، کمتر با پدیده فساد روبه‌رو هستند. در خصوص شاخص فردگرایی، شکاف قابل توجهی بین کشورهای شرقی و کمتر توسعه‌یافته از یک سو و کشورهای غربی و توسعه‌یافته از سوی دیگر وجود دارد. در حالی که کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی بسیار فردگرا هستند، کشورهای آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا نمره پایینی در شاخص فردگرایی دارند و از ارزش‌های جمع‌گرایانه قوی‌تری برخوردارند. به نظر می‌رسد در کشورهایی که توجه به حریم شخصی، مورد احترام است و انسان‌ها با تخلفشان دچار احساس شرمندگی می‌گردند که نشانه‌های جامعه‌های فردگرا است، نسبت به مقوله فساد بسیار حساس‌تر از کشورهای با خصیصه‌های فرهنگی جمع‌گرایانه می‌باشند. کشورهای با خصیصه فرهنگی جمع‌گرایانه مانند کشور ایران و کشورهای

 1. Licht & Schwartz

خاورمیانه فرهنگ بر تعلقات بیش از حریم شخصی فرد تأکید دارد و انسان‌ها به دو دسته (ما و آنها) دسته‌بندی می‌گردند، نظرها از پیش توسط کسانی که داخل گروه هستند تعیین می‌شود. در کشورهای که شاخص فردگرایی بالاست، کمتر احتمال می‌رود آنها با هنجارهای غیررسمی هم‌نوایی کنند، و همچنین نسبت به بی‌عدالتی کمتر مدارا می‌کنند. افراد در جوامع فردگرا بر کنترل شخصی، استقلال و دستاوردهای فردی استوار می‌باشند. در مقابل در جوامع جمع‌گرا منابع و اعمال مشترک تشویق می‌گردد و گروه‌ها افراد را با خصیصه وفاداری گرد هم جمع می‌آورند (Van Wagoer, 2023). فوکویاما^۱ اعتقاد دارد در جوامع جمع‌گرا، فضای عمومی توسط شبکه‌های مشتری‌مدارانه که با فساد تقویت می‌گردد، شکل می‌گیرد، در حالی که در جوامع فردگرا فضای عمومی مبتنی بر شایسته‌سالاری می‌باشد که به سازمان‌های رسمی با کیفیت رفتاری بالا منجر می‌گردد (Fukuyama, 2014). در همین راستا کریچکو^۲ در بررسی‌اش به این نتایج دست یافت که جوامع فردگرا می‌توانند درآمدهای اقتصادی خود را با توجه به نهادهای با کیفیت بالاتر خود ارتقا ببخشند و در نتیجه این اعمال و رفتارها در این جوامع با میزان فساد کمتری روبه‌رو خواهند بود (Kyriacu, 2016). همچنان‌که هافستد فردگرایی را به‌مثابه کمتر فرمان‌برداری و چشم‌داشت از دیگران تعریف کرده است. زمانی که یک فرد در این جوامع با کدهای غیراخلاقی روبه‌رو می‌گردد مانند رفتارهای فساد گونه، احتمال بالاتری دارد که فساد را گزارش دهد؛ زیرا هزینه‌های طردشدگی کمتری از جانب دیگران که می‌تواند شامل خانواده گروه‌ها اطراف او باشد محتمل گردد. در حالی که در کشورهای با فرهنگ جمع‌گرایانه، افراد در مواجهه با فساد به علت ترس از رانده‌شدن و طردشدن از گروه‌های خودی و نزدیک، احتمال کمتری دارد که فساد را گزارش دهد؛ زیرا هزینه طردشدگی برای او بسیار سنگین می‌باشد (Duarin, 2020). همچنین طبق چهارچوب نظری تأثیر شاخص فرهنگ فردگرایی بر کاهش ادراک فساد مورد تأیید قرار گرفت. با وجود اثر کنترلی متغیر شاخص درآمد سرانه همچنان تأثیر شاخص فردگرایی بر شاخص ادراک فساد معنادار بوده و نشان از تأثیرگذاری این شاخص فرهنگی بر مقوله فساد در کشورها می‌باشد.

آینده‌گرایی یکی از متغیرهای تأثیرگذار در کاهش فساد می‌باشد. کشورهایی که نمره بالایی در خصیصه فرهنگی جهت‌گیری بلندمدت دارند با فساد کمتری روبه‌رو

1. fukuyama
2. Kyriacu

هستند؛ زیرا در این جوامع افرادی که عملکردهای درخشان و مؤثری دارند از جانب جامعه مورد حمایت و تشویق قرار می‌گیرند و در چنین جوامعی رویه‌های حکومت داری نامتوازن و بدکارکرد به نسبت کشورهای با خصیصه جهت‌گیری کوتاه‌مدت سریع‌تر تغییر پیدا می‌کند و در نتیجه دارندگان قدرت در جامعه کمتر احتمال سوءاستفاده از قدرت و فساد را خواهند داشت (Boateng & Wang, 2020). گرچه در مدل فرهنگی شاخص آینده‌گرایی فرضیه اولیه بدون کنترل متغیر آزمون رابطه معناداری البته از نوع معکوس نشان می‌دهد. به این معنا که هرچه بر میزان جهت‌گیری جوامع به آینده بیشتر باشد احتمال ادراک فساد کمتر می‌باشد ولی با مداخله متغیر کنترل شاخص درآمد سرانه این معناداری از بین رفت و در نهایت فرضیه تأثیر متغیر جهت‌گیری به آینده بر ادراک فساد در جوامع تأیید نگردید. سند هولتز و تاگپرا^۱ (۲۰۰۵) همسو با نظریه این تحقیق در تحقیقاتشان در کشورهای کمونیسیم به این موضوع اشاره کرده‌اند که درجه پایینی از شاخص افراط‌گرایی با درجه بالایی از فساد منجر گردیده است، و به‌نوعی اشاره داشتند که شاخص فرهنگی افراط‌گرایی باعث کاهش ادراک فساد در جوامع می‌گردند. در مدل همبستگی نتایج این تحقیق هم این رابطه به‌صورت معکوس مورد تأیید قرار گرفت؛ اما با ورود متغیر کنترل این فرضیه مورد تأیید قرار نگرفت. گتز و ولکما (۲۰۰۱) در تحقیقاتشان در خصوص خصیصه ابهام‌گریزی مشخص نمودند که این مقوله بسیار با شاخص‌های نهادی همبسته می‌باشد که همسو با نتایج این تحقیق می‌باشد. آنها معتقدند که جوامعی با شاخصه اجتناب از ابهام پایین زمانی که شاخص‌های نهادی و حکمرانی مستقر نباشند عموماً به فساد بالا منجر می‌گردند. ولی اگر شاخص‌های نهادی مستقر شده و تعیین شده باشد این خصیصه باعث تصمیمات ریسک‌پذیرانه در جوامع می‌شود که انفعال و ایستایی جوامع را همانند کشورهای اسکاندیناوی کاهش می‌دهد و باعث پویایی و توسعه و در نتیجه کاهش فساد می‌گردد. رابطه بین دو متغیر با ورود متغیر کنترل در این تحقیق معنادار نگردید و فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت.

تحلیل جامعه‌شناسی اقتصادی از فرهنگ و فساد همچنان که وبر اشاره می‌کند در تحلیل این تحقیق جای می‌گیرد که منفعت و فرهنگ به‌هیچ‌وجه مخالف یکدیگر نیستند، به این معنی که منافع اصولاً به‌وسیله فرهنگ (به‌زعم وبر ارزش‌ها) شکل

می‌گیرند. در حالی که هدف منفعت اقتصادی فایده و سود است آنچه به‌عنوان فایده و سود دیده می‌شود با آنچه ارزش‌ها یا فرهنگ درگیر آن هستند بسیار متفاوت است (سوندبرگ، ۱۳۹۵، ص. ۴۰۰). این تفاوت نوع نگاه نظریه‌های نهادگرا با جامعه‌شناسی اقتصادی است؛ زیرا در این دیدگاه فساد صرفاً به ویژگی‌های فردی و شخصیت و عوامل سازمانی بسنده نمی‌کند، برای اینکه بسیاری از عوامل فردی و سازمانی ویژگی‌های برآمده از سطح کلان‌تر یا بستر فرهنگی یک کشور هستند. فرهنگ کشور می‌تواند کمتر یا بیشتر فردگرایانه، سرکوب‌کننده یا مبتنی بر خویش‌داری باشد، فاصله قدرت در آن فرهنگ می‌تواند بسیار بالا یا کم باشد، جهت‌گیری‌ها نسبت به آینده در آن فرهنگ‌ها می‌تواند متفاوت باشد، فرهنگ تحمل در مقابل نوآوری‌ها و بدعت‌ها می‌تواند در میان کشورها متفاوت باشد، همه این عوامل به‌عنوان متغیرهای بنیادین و کلان جامعه بر قضاوت‌های افراد در موقعیت‌های فسادانگیز، تأثیرگذار می‌باشند.

هرچند هافستد در نظریه خود فرهنگ را متشکل از دو بُعد اعمال و ارزش‌ها می‌داند؛ اما به اعتقاد او این ارزش‌ها هستند که در ساختار فرهنگی یک جامعه نقش محوری دارند. بر همین اساس نظریه او حول محور الگوهای فرهنگی قرار دارد. الگوهایی که تقویت یا تضعیف آنها نوع خاصی از رفتارها را در جوامع شکل می‌دهد. در زمینه فساد نیز بررسی این الگوهای فرهنگی در کشورهای با فساد پایین در مقایسه با کشورها با فساد بالاتر نشان می‌دهد که جغرافیای فرهنگی مختلف سطوح متفاوتی از فساد را بروز می‌دهند. در این میان، این تحقیق نشان داد که کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با بالاترین سطح ادراک فساد، دارای ارزش‌های فرهنگی حامی فساد می‌باشند.

در مجموع می‌توان گفت که هرچند با توجه به چندعلتی بودن مسئله فساد اداری باید متغیرهایی از سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را مدنظر قرار داد؛ اما به دلیل تنوع بالای متغیرهای تأثیرگذار لازم است بررسی دقیق‌تری در هر سطح صورت گیرد. کاری که این مقاله تلاش کرده است با تأکید بر سطح فرهنگی و با استفاده از رویکرد تطبیقی متغیرمحور انجام دهد. مطالعه فساد با استفاده از این رویکرد در کشور ما جوان می‌باشد (فیروچائیان و محمودیان، ۱۴۰۰) و امید است تحقیقات پیش‌رو با کاربست راهبردهای سطح کلان و در نظر گرفتن متغیرهای دیگر به مطالعه فساد بپردازند. باتوجه به اهمیت زمینه‌های فرهنگی در شکل‌گیری فساد در کشورها و طبعاً اهمیت جایگاه فرهنگ در پیشگیری از فساد، شناخت دقیق‌تر شاخص‌های فرهنگی در

این حوزه ضروری می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه انتقال مؤلفه‌های فرهنگی مقوله‌ای فرایندی است یعنی خصایص فرهنگی باید در طول سال‌ها از سنین پایین به نسل‌های جدید انتقال یابد. در همین راستا:

- نقش نهادهای فرهنگی از جمله مدارس، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها در انتقال ارزش‌های فرهنگی فسادستیز که در بالا توضیح داده شد ضروری می‌باشد؛
- به‌کارگیری تجربه کشورهای موفق در حوزه مبارزه با فساد با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی اثرگذار در کاهش فساد؛
- توجه جدی‌تر به حوزه فرهنگ به‌خصوص فرهنگ شهروندی در برنامه‌های توسعه به‌عنوان ابزار نرم توسعه، راه را در اجرای سریع‌تر و بهتر ابعاد دیگر توسعه هموار می‌کند؛
- همچنین تأکید بر رویکرد فرهنگی توسط نهادهای مبارزه با فساد در جهت پیشگیری از فساد از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.
- درنهایت برخی از پیشنهادهای پژوهشی این تحقیق عبارت‌اند از:
 - تحلیل ادارک فساد با استفاده از شاخص‌های ملی و شاخص‌های انسانی؛
 - استفاده توأمان از داده‌های میدانی و داده‌های ثانویه در ارزیابی متغیرهای فرهنگی بر شاخص فساد؛
 - به‌کارگیری روش‌های کیفی در ارزیابی تأثیر شاخص‌های فرهنگی بر شاخص ادارک فساد؛
 - تحلیل تطبیقی توأمان نظریه‌های نهادی و فرهنگی در ارزیابی فساد؛
 - کاربرست نظریه فرهنگی هافستد در حوزه‌های فرهنگی جغرافیای کشور ایران.

فهرست منابع

- جمشیدی، نوید (۱۳۹۲). بررسی تأثیر ارزش‌های اسلامی بر پایه ابعاد هافستد بر شفافیت گزارش‌گری مالی و سطح مسئولیت پاسخ‌گویی (مطالعه موردی: وزارت بهداشت). *فصلنامه حسابداری سلامت*، سال دوم، (۴)، ۱-۱۸.
- حسن‌پور، حمیدرضا (۲۰۱۸). اهمیت پیشگیری از فساد اداری و تأثیر آن بر سلامت اجتماعی. *مجله آموزش و سلامت جامعه*، ۵ (۲)، ۷۲-۸۱.
- حسینی هاشم‌زاده، داود (۱۳۹۴). *مفهوم‌شناسی، تعاریف و گونه‌شناسی فساد، چشم‌اندازهای نظری فساد*. تهران: انتشارات آگاه.

- دوگراف، خیالت و دیگران (۲۰۱۰). *چشم‌اندازهای نظری فساد*. ترجمه داود حسینی هاشم‌زاده و دیگران، تهران: انتشارات آگاه.
- ریگین، چارلز (۱۳۸۷). *روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*. ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر آگه.
- سوئبرگ، ریچارد و گرانووتر، مارک (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی اقتصادی*. ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات تیسرا.
- فیروز جانیان، علی‌اصغر (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی فساد سازمانی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
- فیروز جانیان، علی‌اصغر و معصومه، محمودیان (۱۴۰۰). *مرور نظام‌مند مطالعات علمی انجام شده در حوزه فساد اداری در ایران*. دو فصلنامه *مسائل اجتماعی ایران*، (۱۲)، ۲۰۱-۲۲۰.
- لانگست، پیتر (۱۳۸۷). *برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد*. ترجمه میرحسین جلالی فراهانی و حمید بهره‌مند بیک‌نظر، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مهارتی، یعقوب (۱۳۹۹). *معرفی و ارزیابی نظریه مطالعات فرافرهنگی هافستد*. *فصلنامه راهبرد - فرهنگ*، ۱۳(۵۰)، ۱۹۹-۲۲۵.
- میلز، سی رایت (۱۳۷۵). *بینش جامعه‌شناختی*. ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- هافستد، گرت (۱۳۸۸). *فرهنگ‌ها و سازمان‌ها*. ترجمه سیدمحمد اعرابی و دیگران، تهران: نشر علم.
- Boateng, A. & Wang, Y. (2020). *National Culture, Corporate Governance and Corruption: A Cross-Country Analysis*, International Journal of Finance and Economics. 1-52.
- Chabova, K. (2017). *Norms and Values Connected to Corruption*. [Http://Europeansocialsurvey.org](http://Europeansocialsurvey.org)
- Davis, J.H. (2003). Perception of country corruption. *Journal of Business Research*, (13), 59-339.
- Duarin, E. (2020). Individualism and Attitude Towards Reporting Corruption. *Cambridge University Press*, (18), 85-100.
- Ekel, C.C. & Grossman, P.J. (1998). Are women less selfish than men? Evidence from dictator experiments. *Economical Journal*, (108), 726-735.
- Emrich, C. (2004). *Cross-culture difference in gender egalitarianism: implication for societies, organizations, and leaders*. In House, Sage Publications, Thousand Oaks, CA.

- Fukuyama, F. (2014). *The origin of Political order*. New York: Brilliance Audio.
- Gaygisiz, E. & Lajunen, T. (2022). Cultural Values, National Personality Characteristics, and Intelligence as Correlates of Corruption: A nation level analysis. *Helion*, 8(5).
- Getz, K. & Volkema, J. (2001). Culture, Perceived Corruption, and Economics. *Business and Society*, 40(1), 7-30.
- Getz, K. & Volkema, J. (2001). Culture, perceived corruption, economics. *Business and Society*, (40), 7-30.
- Gurinto, G. & Samudro, B. (2020). Is There Any Relation Between Hofstedes Cultural Dimension and Corruption in Developing Countries?. *Journal of Financial Crimes*, (10), 1108.
- Heals, J. (2004). The influence of national culture on the level and outcome of IS Development decision. *Journal of Global Information Management*, (7), 3-28.
- Heals, J. (2004). The influence of national culture on the level and outcome of IS Development decision. *Journal of Global Information Management*, (7), 3-28.
- Hofstede, G. & Minkov, M. (2010). *Culture and Organizations: Magraw-Hill Education*.
- Hofstede, G. (1980). National culture in four dimension. *International studies of management and organization*, (113), 46-47.
- Hofstede, G. (2001). *Cultures Consequences* (2nd edn). London: sage.
- Hofstede, G. (2010). *Dimensionalizing Culture: The Hofstede Model in Context*. Online Reading in Psychology and Culture.
- Independent Commission Against Corruption (1998). *A major investigation into corruption in the former state Rail Authority of New South Wales*. Independent Commission Against Corruption, Sydney.
- Jahic, Hatidza & Cinjarevic, Merima (2017). The Effect of Social and Education on Corruption: A Contingency Theory Perspeptive. *Journal of Economics and Business*, (xv), Issue 1.
- Khandan, A. (2018). lobbying, Bribery, and Compliance: An Evolutionary Model of Social factors. *Iran Econ*, (22), 956-989.
- Kyriacu, A. (2016). Individualism-Collectivism, Governance and Economic Development. *European Journal of Political Economy*, (42), 91-104.
- Lambsdorff, G. J. (1999). "Corruption in empirical research-a review", Working paper, Transparency International, Gottingen.
- Lambsdorff, G. J. (1999). *Corruption in empirical research-a review*. Working paper, Transparency International, Gottingen.
- Park, H. (2003). Determinants Of Corruption: A Cross-National Analysis. *Multinational Business Review*, 11(2), 29-48.
- Sandholtz, W. & Taagepera, R. (2005). Corruption, culture and communism. *International Review of sociology*, (15), 109-131.
- Seleim, Ahmed & Bontis, Nick (2009). The Relationship Between Culture and Corruption: A Cross-National Study. *Journal of Intellectual*

- Capital*, 10(1), 165-184.
- Smith, C. (2013). *The Effect of National Culture on the Implementation of Anti-Corruption Polices*. Master Public Administration.
- Tatarko, A. N. & Mironova, A. (2020). The Relationship Between Human Values and Acceptability of Corruption in Russia and Greece Tilburg University, (10), 79-95.
- Transparency.org/en/ (2003). what is corruption.
- Transparency.org/en/what is corruption.
- Treisman, Daniel (2000). The Causes of Corruption. *Journal Of public Economics*, (76), 399-457.
- Valdovinos I. & Szymanski, M. (2019). Are there really cultures more prone to Corruption. *Forum Scientiae Oeconomia*, 7(1), 103-120.
- Van Wagoer, K. (2023). *Exploring The Effect of Culture on Corruption in North Korea and Denmark*. California University.
- Yeganeh, H. (2014). Cultural and Corruption, *International Journal of Development Issue*, April.
- Zhao, H. Ahn, M. & Manoharan, A. (2021). E-Government, Corruption Reduction and the role of Culture. *International Journal of E-Planning Research*, (3), 86-104.

References

- Boateng, A. & Wang, Y. (2020). National Culture, Corporate Governance and Corruption: A Cross-Country Analysis, *International Journal of Finance and Economics*. 1-52.
- Chabova, K. (2017). Norms and Values Connected to Corruption. [Http://Europeansocialsurvey.org](http://Europeansocialsurvey.org)
- Charlze, R. (2008). Comparative method beyond quantitative and qualitative guidelines, translated by Mohamad Fazeli, Tehran, Agah Publishers. (In Persian)
- Davis, J.H. (2003). Perception of country corruption. *Journal of Business Research*, (13), 59-339.
- Dografe, k. (2010). Theoretical perspectives of corruption, translated by Davod Hoseini Hashemzade, Tehran: Agah Publisiers. (In Persian)
- Duarin, E. (2020). Individualism and Attitude Towards Reporting Corruption. Cambridge University Press, (18), 85-100.
- Ekel, C.C. & Grossman, P.J. (1998). Are women less selfish than men? Evidence from dictator experiments. *Economical Journal*, (108), 726-735.
- Emrich, C. (2004). Cross-culture difference in gender egalitarianism: implication for societies, organizations, and leaders. In House, Sage Publications ,Thousand Oaks ,CA.
- Firozjaian, A. A. & Mahmoudain, M. (2021). Systematic review of scientific studies conducted in the field of administrative corruption in Iran, *Iranian social issues Quarterly* 2(12), 201-220. (In Persian)
- Firozjaian, A. A. (2021). Sociology of organizational corruption, Tehran:

- Publications of sociologists and methodologists. (In Persian)
- Fukuyama, F. (2014). The origin of Political order. New York: Brilliance Audio.
- Gaygisiz, E. & Lajunen, T. (2022). Cultural Values, National Personality Characteristics, and Intelligence as Correlates of Corruption: A nation level analysis. *Helion*, 8(5).
- Getz, K. & Volkema, J. (2001). Culture, Perceived Corruption, and Economics. *Business and Society*, 40(1), 7-30.
- Getz, K. & Volkema, J. (2001). Culture, perceived corruption, economics. *Business and Society*, (40), 7-30.
- Gurinto, G. & Samudro, B. (2020). Is There Any Relation Between Hofstedes Cultural Dimension and Corruption in Developing Countries?. *Journal of Financial Crimes*, (10), 1108.
- Hashem pour, H.R. (2018). Importance of preventing corruption and the impact of corruption on social health, *Journal of education and community health*. period2. 72-81. (In Persian)
- Heals, J. (2004). The influence of national culture on the level and outcome of IS Development decision. *Journal of Global Information Management*, (7), 3-28.
- Heals, J. (2004). The influence of national culture on the level and outcome of IS Development decision. *Journal of Global Information Management*, (7), 3-28.
- Hofstede, G. & Minkov, M. (2010). *Culture and Organizations*: Magraw-Hill Education.
- Hofstede, G. (1980). National culture in four dimension. *International studies of management and organization*, (113), 46-47.
- Hofstede, G. (2001). *Cultures Consequences* (2nd edn). London: sage.
- Hofstede, G. (2008). *Culture and organizations*, translated by seid Mohamd Araby, Tehran: Publishers of science. (In Persian)
- Hofstede, G. (2010). *Dimensionalizing Culture: The Hofstede Model in Context*. Online Reading in Psychology and Culture.
- Hoseini Hashemzade, D. (2015). *Conceptology, Definitions and typology of corruption, Theoretical perspectives of corruption*, Tehran: Agah publishers. (In Persian)
- Independent Commission Against Corruption (1998). A major investigation into corruption in the former state Rail Authority of New South Wales. Independent Commission Against Corruption, Sydney.
- Jahic, Hatidza & Cinjarevic, Merima (2017). The Effect of Social and Education on Corruption: A Contingency Theory Perspevtive. *Journal of Economics and Business*, (xv), Issue 1.
- Jamshidy, N. (2013). Investigating the impact of Islamic values on hofstedes dimensions on the transparency of financial reporting and accountability levels, (case study) ministry of health, *Health accounting Quarterly*. Second year, (4), 1-18. (In Persian)
- Khandan, A. (2018). *lobbing, Bribery, and Compliance: An Evolutionary Model of Social factors*. *Iran Econ*, (22), 956-989.

- Kyriacu, A. (2016). Individualism-Collectivism, Governance and Economic Development. *European Journal of Political Economy*, (42), 91-104.
- Lambsdorff, G. J. (1999). "Corruption in empirical research-a review", Working paper, Transparency International, Gottingen.
- Lambsdorff, G. J. (1999). Corruption in empirical research-a review. Working paper, Transparency International, Gottingen.
- Longest, D. (2008). Global anti-corruption programs, translated by Mir Hossein Jalali Farahani and Hamid bahremand bik nazar, Tehran, Islamic council Research Center. (In Persian)
- Maharti, Y. (2020). Introducing and evaluating Hofstede theory of trans cultural studies, *Strategy and Culture Quarterly*, 13(50), 19-225. (In Persian)
- Milz, C. R. (1996). Sociological insight, translated by Abdolmabod Ansary, Tehran, Publication of stock company. (In persain)
- Park, H. (2003). Determinants Of Corruption: A Cross-National Analysis. *Multinational Business Review*, 11(2), 29-48.
- Rabiei, A. (2004). Long live corruption, Tehran, Printing and publishing organization of the ministry of guidance. (In Persian)
- Sandholtz, W. & Taagepera, R. (2005). Corruption, culture and communism. *International Review of sociology*, (15), 109-131.
- Seleim, Ahmed & Bontis, Nick (2009). The Relationship Between Culture and Corruption: A Cross-National Study. *Journal of Intellectual Capital*, 10(1), 165-184.
- Smith, C. (2013). The Effect of National Culture on the Implementation of Anti-Corruption Polices. Master Public Administration.
- Soedberg, R. & Granovetter, M. (2015). Economic sociology, translated by Ali Asgar Saidy, Tehran: Tisa Publishers. (In Persian)
- Tatarko, A. N. & Mironova, A. (2020). The Relationship Between Human Values and Acceptability of Corruption in Russia and Greece Tilburg University, (10), 79-95.
- Transparency.org/en/ (2003). what is corruption.
- Transparency.org/en/what is corruption.
- Treisman, Daniel (2000). The Causes of Corruption, *Journal Of public Economics* (76), 399-457.
- Treisman, Daniel (2000). The Causes of Corruption. *Journal Of public Economics*, (76), 399-457.
- Valdovinos I. & Szymanski, M. (2019). Are there really cultures more prone to Corruption. *Forum Scientiae Oeconomia*, 7(1), 103-120.
- Van Wagoer, K. (2023). Exploring The Effect of Culture on Corruption in North Korea and Denmark. California University.
- Yeganeh, H. (2014). Cultural and Corruption, *International Journal of Development Issue*, April.
- Zhao, H.; Ahn, M. & Manoharan, A. (2021). E-Government, Corruption Reduction and the role of Culture. *International Journal of E-Planning Research*, (3), 86-104.